

بی‌احترامی به تماشاگر

مهناب نصیرپور خود چهره شناخته شده‌ای در هنر است. اما دوست دارد در میان جمع فیلم را ببیند. هر چند معتقد است در سینمای کنونی به تماشاگر بی‌توجهی می‌شود.

–آخرین فیلم سینمایی ایرانی که دیدید چه بود. نظر تان درباره فیلم چیست؟

فیلم «هیج» ساخته عبدالرضا کاهانی. فیلم بسیار خوبی بود. از کارگردانی و تلاش برای هماهنگ کردن بازیگران و بازی‌های خیلی خوب هنرپیشان خیلی لذت بردم. تیم بازیگران در کل خیلی خوب بود.

فیلمی بود که تا مدت‌ها باعث می‌شد درباره آن حرف زد و فکر کرد. این موضوعی است که در شرایط فعلی جامعه ما باید وجود داشته باشد. البته فیلم بی‌عیبی نبود و جای بحث داشت. پایان‌بندی فیلم خوب نبود و فکر می‌کنم تمام عیب‌های فیلم مربوط به فیلمنامه بود. گرچه فکر می‌کنم با توجه به تغییراتی که در فیلمنامه ایجاد شده بود این کمبودها را به وجود آورده بود. ولی در کل با همه این اتفاقات نتیجه کار رضایت‌بخش بود.

– میزان باورپذیری فیلم چقدر بود؟

به نظر من اصلاً اینکه چقدر باورپذیر باشد مهم نیست. شرایط امروز ما ایجاب می‌کند فیلم‌ها شما را به بحث و گفت‌وگو بکشاند و باعث شود درباره آن فکر کنید، که این موضوع را می‌توان با قصه ساده داستانی درباره مشکلات اجتماعی هم ایجاد کرد. در شرایط فعلی سینما ما که اکثر فیلم‌ها کم‌دیی‌های سیف‌ هستند که فقط دو ساعت در سینما بدون اینکه چیزی دریافت کنی می‌گذرد، چنین فیلم‌هایی مثل پاداش و جایزای خوب برای تماشاگر است.

– شما ترجیح می‌دهید در منزل فیلم ببینید یا سینما، چرا؟

فیلم سینمایی را باید در سینما دید چون این فیلم را برای مدیوم سینما و پرده آن ساخته‌اند نه برای تلویزیون. از طرفی دیدن فیلم در سینما همراه عدای از مردم با واکنش‌ها و قضاوت‌های گوناگون تفریح جمعی بسیار خوبی است. در عین حال نکات ظریف فیلم را در سینما بهتر می‌توان دید. به خصوص فیلم‌های کسانی مثل کیارستمی که لانگ‌شات‌های زیاد دارد و کیمیایی که کلوزآپ‌های فراوان دارد را حتماً باید در سینما دید. سینما خلوتی است که با تماشاگران دیگر ایجاد می‌شود.

– به نظر شما مشکل سینمای ایران در چیست؟

به نظر من عمده‌ترین مشکل ما از سالن‌های نامناسب سینما شروع می‌شود که هیچ هماهنگی‌ای با معیارهای سینماهای جهان ندارد. در این شرایط فیلم دیدن خیلی دشوار است. مثلاً یکی از بهترین سالن‌های ما سینما آزادی است. اما از لحظه ورود به فضای سینما با معماری عجیب و نامتعارفی روبه‌رو می‌شویم. صداها ی‌بد که گاهی تماشاگر معمولی هم به اعتراض درمی‌آید. با این کیفیت بد وضعیت سینمای ما خوب نخواهد بود. در شرایطی که در هر شغل و صنفی به افراد احترام می‌گذارند اما در سینما برای مشتری احترام قائل نیستند. به تماشاگر بی‌توجهی می‌شود. برای نمونه من و همسرم محمد رحمانیان که برای دیدن فیلم کفر به سینما آزادی رفتیم به دلیل اینکه به ما نگفتند بلیت تمام شده و صندلی‌های اضافه را به ما فروختند، در سالن دچار مشکل شدیم و تا زمانی که در جاهای اضافه فروخته‌شده مستقر شویم تیتراژ فیلم گذشته بود و چون همسرم از دیدن فیلم به این شکل ناراضی شد ناچار شدیم به نشانه اعتراض فیلم را نبینیم و بلیت را پس بدهیم. این باعث می‌شود که دیگر تمایلی به رفتن به این مجموعه را نداشته باشیم.

□

سیاست فرهنگی کلان در سینما نداریم

محمود عزیزی خود بارها و بارها پشت دوربین قرار گرفته است. با او درباره آخرین فیلمی که دیده و دوست داشته صحبت کرده‌ایم.

–آخرین فیلم ایرانی‌ای که دیدید چه بود. نظر تان درباره فیلم چیست؟

فیلم درباره الی ساخته اصغر فرهادی، فیلم بسیار دلنوازی بود. از نظر کار دوربین، کارگردانی، متن، نورپردازی فیلمی کامل و روان بود که بخشی از جامعه و نگرانی و نیازهای آن را مطرح می‌کرد.

در مقابل فیلم‌هایی که قبل از آن دیدم تنها فیلمی بود که مرا به فکر کردن واداشت. شخصیت‌ها خوب دیده می‌شدند. من به عنوان مخاطب از فیلم راضی بودم. مثل بسیاری از فیلم‌ها کبی‌شده نبود و سینمای خوبی بود. کارگردانی و فضاسازی و رنگ‌آمیزی در حدی خوب بود که برای تکمیل فیلم به وسایل کمکی نیاز نبود. فیلم کاملی بود که در همه زمینه‌ها از توانایی برخوردار بود. اگر این میدان در همه زمینه‌ها به کارگردان‌ها داده شود که بتوانند خلاقیت خود را بروز دهند برای سینما بهتر خواهد بود. در این فیلم مشکل تمام سینماها پدید این شده بود. اینکه یک جوان به بزرگ‌تر، نگاه بزرگ‌تر به جوان‌ها و در نهایت نگاه جوان‌ها به جامعه و در مجموع آدم‌هایی که به دلایل مختلف کنار هم قرار گرفته‌اند و در این میان قصه‌ای اتفاق می‌افتد. ساختار نمایش فیلم قوی بود و هیچ نکته بیجایی مصرف نشده بود. همه چیز به اندازه بود.

– میزان باورپذیری فیلم چقدر بود؟

این نکته بسیار پیچیده است. ما در جامعه گروه‌های اجتماعی زیادی داریم که هنوز تعریف نشده‌اند. افرادی که از موقعیت پایین اقتصادی به موقعیت بالایی می‌رسند همه چیز آنها دگرگون می‌شود و اندازه را از بی‌اندازه می‌کنند. نگاه به این فیلم از این دیدگاه بحث را در کج‌راغه می‌برد. از این دید نباید به فیلم نگاه کرد چون اساس مسائل اجتماعی نیاز به ارزیابی بنیادی دارد. و گروه‌هایی مثل جامعه‌شناسان و روانشناسان باید این دیدگاه را بررسی کنند. از این منظر اگر به فیلم نگاه کنیم همه فیلم زیر علامت سوال می‌رود که اصلاً این جوان‌ها از کدام گروه اجتماعی آمده‌اند. خاستگاه فرهنگی و نگاه و تفکر آنها نسبت به جامعه چیست؟ این خاستگاه را در اکثر فیلم‌های فارسی نمی‌بینم. شخصیت افراد در این فیلم ما مشخص نیست از کجا آمده‌اند. چطور یک‌شبه ره صدساله را طی می‌کنند. از غایت بی‌سیلانی به غایت انسانی می‌رسند و این اشکال اکثر فیلم‌های ماست که برای حل آن نیازمند جامعه‌شناسی است که بدانیم این افراد کی هستند وفرزندآن کدام‌بخش جلمعه‌اند.

–ترجیح می‌دهید در منزل فیلم ببینید یا در سینما،چرا؟

به دلیل فراوانی مشکلات تردد در شهر ترجیح می‌دهم در منزل فیلم ببینم. اکثر محله‌ها به سینما ندارند و برای دیدن فیلم باید به محله‌های دیگر رفت. همیشه مشکل جای پارک برای وسیله شخصی وجود دارد. حتی در روزهای تعطیل هم این مشکل وجود دارد. ما الگوهایی از هر ج‌ای می‌گیریم و شهر را می‌سازیم بدون اینکه به زیربنای این الگوها توجه کنیم. این مشکل در مورد همه چیز مثل بیمارستان، مدرسه و… هم وجود دارد. اگر این مشکلات نباشد طبیعتاً دیدن فیلم در سینما در یک جمع از آدم‌های جامعه که همدیگر را نمی‌شناسند خیلی بهتر خواهد بود. این یک نیاز همیشگی برای استفاده از تئاتر و سینماست که انسان در کنار دیگران دیدن فیلم را تجربه کند.

– مشکلات اساسی سینمای ایران چیست؟

مشکل اصلی سینمای ما نبودن یک سیاست کلان فرهنگی در کشور است. سینما مقوله‌ای اقتصادی است ولی شرایط تولید فیلم اقتصادی مهیا نیست. سیاست کلی که همه تابع آن باشند و طبق آن کار کنند وجود ندارد. از طرفی به جز تعداد اندکی تهیه‌کننده خصوصی که برای فیلم خرج کند هم وجود ندارد. ما تعریفی کلی درباره سینما نداریم. هر کس با دیدگاه خاص خودش موضوعی را مطرح می‌کند. از طرفی برچسب داشتن در سینما به طور خاص مشخص نیست. تعریف دینی، اخلاقی یا ضداخلاقی برای فیلم‌ها یک موضوع مشخص نیست. باید موقعیتی باشد که کارگردان بتواند شرایطی را فراهم جامعه را تصویر کند. سینما باید مستحاطه نباشد از منظر شخصی افراد باشد بلکه باید طبق یک سیاست کلی پیش برود.

سینما

گفت‌وگو با محمد مطیع

در نقش‌های خاکستری و منفی می‌توانم معلق بزنم

◀ احمد محمداسماعیلی

–دوران بازیگری را در کنار بازیگران صاحب‌سبک و نامی تئاتر (علی نصیریان، جمشید مشایخی، عزت‌الله انتظامی و…) آغاز کردید. سطح کیفی بازی دهه ۴۰ با بازی‌های دهه ۸۰ و حضور جوان‌های بازیگر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مادر تمام هنرهای نمایشی و بازیگری تئاتر است. کسی که سابقه تئاتری دارد، دارای یک اندوخته غنی و پرباری در عرصه بازیگری است. سایرین ممکن است تجربه تئاتری نداشته باشند اما استعداد و توان خوبی داشته باشند و من منکر این قضیه نمی‌شوم. برای حضور در سطح اول بازیگری باید مرارت زیادی تحمل کرد. امروزه خیلی‌ها راحت بازیگر می‌شوند و قدر آن را نمی‌دانند.

–عدای بدون طی کردن پروسه بازیگری، بر اثر حادثه یا رابطهای بازیگر می‌شوند.

همین گونه است. خیلی از این بازیگران جوان مدرک بازیگری هم دارند.

–خیلی‌ها مدرکی ندارند.

بله، مدرکی ندارند و حتی در صحنه تئاتر یا سایر عرصه‌های بازیگری هم هیچ نوع سابقه‌ای ندارند. این قضیه را همه اهالی سینما می‌دانند. با بازیگر نسل جوان خوب و آگاه زیادی کار کرده‌ام. – مثال می‌زنید؟

با بهرام رادان و حامد کمیلی تجربه خوبی در «تردید» ساخته واروژ کریم‌مسیحی داشتم و به رادان گفتم تو از نسل مایی، از بدحادثه در این مقطع بازیگر شدی. رادان و کمیلی جوان‌های باادب و بافرهنگی هستند. نکته مهم این است که کارشان را به شدت دوست دارند و برای آن ارزش قائل هستند.

–همه بازیگران نسل جوان چنین ویژگی‌هایی ندارند؟

در «فرش قرمز» به کارگردانی محسن دامادی با دانیال عبادی همبازی بودم. او هم جوان فرهیخته و علاقمندی بود و مدام حین کار

در مورد بازی‌اش از من مشورت می‌گرفت. این جوان‌ها را در سینما داریم که کارشان خوب است.

–عدای با دادن پول یا به خاطر فیزیک و چهره زیبا وارد بازیگری می‌شوند. این قضیه چقدر به کیفیت بازیگری سینمای ایران لطمه می‌زند؟

زمانی ممکن است شخصی پول دهد و وارد عرصه بازیگری شود، اما استعداد هم دارد ولی خیلی‌ها هم استعدادی در بساطشان ندارند. نمی‌دانم تهیه‌کننده یا کارگردان چگونه ریسک می‌کند و بازیگرانش را از این طریق انتخاب می‌کند. این شیوه کاری اهانت به جامعه سینما و بازیگری است.

–اگر در دو مقطع بازیگری سینما را در دهه ۴۰ و در دهه ۸۰ کنار هم قرار دهید، کدام کفه سنگینی بیشتری دارد؟ اصلاً قابل قیاس نیست. همان فیلمفارسی‌های آن دوران و بازی‌هایش الگوی برخی از دوستان کارگردان و بازیگر شده است.

– بازی‌های فیلم‌های کم‌دی که این روزها در سینما جریان دارد، قابل توجیه و کیفیت است؟ وظیفه بازیگر کم‌دی ادا درآوردن برای خنده مخاطب نیست. کم‌دین به بازیگری می‌گویند که در کارش به تکامل رسیده است و در عین حال ترازویی و طنز بازی می‌کند و بیان خوبی هم داشته باشد. در کشور ما تعریف کم‌دین‌ا روی و اظطوار درآوردن و بامزه حرف زدن است. در فیلم‌های کم‌دی این روزهای سینما، بازیگران

•

•

•

•

•

•

•

•

از گلزار تاهدیه تهرانی

◀ محمد تاجیک

ساخت فیلمی درباره پرداخت غرامت به ایران

یکی از تهیه‌کنندگان شناخته‌شده سینما قصد ساخت فیلمی درباره اتفاقات پس از جنگ جهانی دوم و پرداخت غرامت به ایران را دارد. این فیلم که «استرداد» نام دارد قرار است به تهیه‌کنندگی محسن علی‌اکبری و توسط علی غفاری ساخته شود. بخش عمده مرحله تحقیقات، انجام و سیناپس اولیه کار نیز آماده شده است. همچنین با پایان مرحله تحقیقات نگارش نهایی فیلمنامه آغاز می‌شود. پیش‌تولید «استرداد» از اواسط تیرماه آغاز می‌شود و تاکنون حضور محمدها کلاری به عنوان مدیر فیلمبرداری قطعی شده است، براساس این گزارش، فیلمنامه این فیلم توسط «سیدمهدی رضانادفخار» و «علی حمیدی» نوشته شده است و در بخش مباحث تاریخی کار، دکتر علی‌اکبر ولایتی، دکتر خسرو معتضد و جلیل عرفان‌منش به عنوان مشاوره در کنار نویسندگان این فیلم حضور دارند و مستندات را کنترل می‌کنند. بر اساس گزارش پارس توریسیم، «استرداد» اتفاقات پس از جنگ جهانی دوم و پرداخت غرامت توسط متحدین و متفقین به ایران را به تصویر می‌کشد و در مسکو، باکو، لهستان و ایران

سال پنجم ■ شماره ۱۰۰۱ ■ پنجشنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۹

•

•

مغول زیرک و خونریز، وزیر اعظم با سیاست و کیاست، پیشکار چاپلوس و زبان‌باز که سرنوشتی جز تباهی ندارد، وزیر مقتدر، زیرک و چندوجهی عصر قجری، پسر عیاش و شوخ و شنگ خانواده، دلال آوردن آدم‌های فقیر و فاسد، حاشیه‌ای برای خون دادن، غلام عمه علاقه‌مند به بره و ده‌ها نقش ماندگار از محمد مطیع ماحصل حضور چهارده‌های او در عرصه بازیگری است، هر چند وقفه‌ای بیش از یک دهه به علت



زن‌پوش را بازی می‌کردم؛ زن‌پوشی که خیلی گل کرده بود و تئاتر چند ماهی روی صحنه بود. همیشه از اینکه به من انگ زده شود که در کاری توانایی دارم فراری هستم و دوست ندارم بگویند فلائی فقط باید نقش منفی یا فقط نقش کم‌دی بازی کند.

– زندگی در سرمای زیر صفر درجه با مردمان خشک، اهل نظم، با زندگی در خیابان‌های تقفیده پر از آلودگی و شلوغی تهران با آدم‌های مهربان اما بی‌توجه به حقوق شهروندی چه تفاوت‌هایی دارد؟ در منطقه پونویتری یا گوتنبرگ زندگی می‌کردم. آب و هوایش کم و بیش معتدل است. – جای خوب و خوش آب و هوای سوئد را برای زندگی انتخاب کردید؟

بله، شهرهای شمالی سوئد سرد هستند. هر دو کشور فرهنگ خاص خودشان را دارند. به هر حال برخی از ویژگی‌های فرهنگی مردم سوئد جذاب است و توجه را برمی‌انگیزاند. در سوئد نظم، انضباط و روتین بودن همه مسائل زندگی روزمره آدم را از هر نوع دغدغه و تشویشی دور می‌کند. امکان ندارد حتی نیمه‌شب هم راننده‌ای چراغ قرمز را رد کند.

–در پرسه زدن‌های خیابانی چه چیزهایی نظر شما را جلب می‌کند؟

پرسه زدن‌های خیابانی را دوست ندارم اما موقعی که به هر دلیلی در سوئد به خیابان می‌رفتم، می‌دیدم چقدر مردم بی‌آزار هستند و سرشان به کار خودشان گرم است. –با سوسن تسلیمی هم مراوده داشتید؟

یکی دو باری ایشان را دیدم. در کارشان موفق هستند. از من هم برای حضور در فیلمی که دو سال قبل آن را ساخت برای بازی دعوت کرد اما قبول نکردم.

–به چه دلیل؟

من مردم را خیلی دوست می‌دارم و علاوه بر آن برای فرهنگ و هویت کشورم ارزش قائل هستم و به هیچ وجه راضی نمی‌شوم آن را ضایع کنم.

کارگردان‌ها کار نخواهم کرد. تاکنون حرمت نگه داشته‌ام و اسم نبرده‌ام اما تحمل من هم حدی دارد. **عصر روز دهم در محرم** دست‌اندرکاران فیلم «عصر روز دهم» قصد دارند این فیلم را در ایام ماه محرم امسال روانه اکران عمومی کنند. به گزارش لمون پرس، فیلم سینمایی «عصر روز دهم» ساخته مجتبی راعی نخستین پروژه سینمایی است که برای اولین‌بار در شهرهای مقدس کربلا و نجف تولید شده‌است. این فیلم از منظر تازه و متفاوتی به مفهوم دوستی دو ملت شیعه ایران و عراق نگاه شده است. داستان این فیلم از خرمشهر و در دوران جنگ ایران و عراق آغاز می‌شود و زندگی یک خانواده را به تصویر می‌کشد. جنگ باعث جدایی آنها می‌شود و بعد از وقایع دیگری از جمله سقوط صدام و جنگ امریکا و عراق آنها همدیگر را پیدا می‌کنند. پروژه «عصر روز دهم» برای اولین بار توسط رسول ملاقلی‌پور مطرح شد و این کارگردان برای دیدن لوکیشن‌های فیلم سفرهایی به کربلا داشت اما با مرگ وی، پروژه به شکل دیگری و توسط «مجتبی راعی» از دیگر فیلمسازان سینمای کشور ساخته شد.

در این فیلم هانیه توسلی، احمد مهران‌فر، صغری عیسی، سلیمه رنگزن و الهام حمیدی به ایفای نقش پرداخته‌اند.

در این مورد جواب بدهند.

– بعد از تجربه موفقیت‌آمیز با واروژ کریم‌سیحی در «سلندر» و «تردید» همکاری دوباره‌ای داشتید، وسوسه نمی‌شوید دوباره تجربه همکاری مجدد با داروش مهرجویی و بهرام بیضایی داشته باشید؟

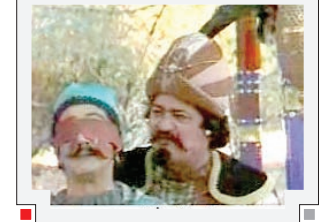
از خدا می‌خواهم دوباره با این دوستان کار کنم. بهرام بیضایی پنج، شش ماه پیش از طریق دوستان پیغام داد در نمایش «سهراب‌کشون» بازی کنم اما متأسفانه متوجه نشدم چرا نشد. چند باری هم با واروژ قرار گذاشتیم تا به اتفاق نزد استاد بیضایی برویم که تا امروز قسمت نشده است.

– با دوستان قدیمی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ مراوده و رفت و آمدی هم دارید؟

متأسفانه به دلیل مشغله کاری کمتر این فرصت برایم به وجود می‌آید که با بچه‌های قدیمی رفت و آمد داشته باشم. با واروژ ارتباط زیادی دارم و هر از گاهی به دیدنش می‌روم. نزد استاد انتظامی در موزه سینما هم چند باری رفته‌ام و گپ و گفت و حالی کردیم. جعفر والی را هنگام مراسم ختم مرحوم جمشید لایق دیدم

نکته

بزرگان عرصه هنر، ستون‌های فرهنگ و هنر این مرز و بوم هستند. این آدم‌ها جوانی و عمرشان را صرف اعتلای سینما، تئاتر و تلویزیون ایران کرده‌اند. اینها از بی‌توجهی و کار نکردن از غصه دق کرده‌اند. اینها از این مساله که کسی سراغ‌شان نمی‌رود دق می‌کنند.



◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀

◀